

تعامل فرهنگ ایرانی و اسلامی با استفاده از پیوند پروتوتایپ حضرت علی (ع) و رستم در سبک خراسانی و عراقی

منصور نورزوی، علی حیدری*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

سال هفدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۸، صص ۲۲۶-۲۰۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7243>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: فرهنگ ایرانی و اسلامی در زمینه‌های مختلف با هم پیوند داشته‌اند، از جمله این تعامل می‌توان به تلفیق پروتوتایپ‌های ملی و مذهبی در فرهنگ و شعر فارسی اشاره کرد. یافتن منشأ اسطوره‌ها به خصوص اسطوره‌های دینی-تاریخی مسأله‌ای مهم بوده که همیشه دانشمندان علوم مختلف به دنبال چرایی اهمیت این موضوع مهم برای بشر بوده‌اند. نگارندگان در این مقاله سعی بر آن دارند، ابتدا پیرامون کهن‌الگو و پروتوتایپ مطالبی اشاره کنند، سپس این پیوند را در شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی بررسی نمایند.

روش مطالعه: پژوهش حاضر یک پژوهش بنیادی و کاربردی است. روش کار تحلیلی - توصیفی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای هست.

یافته‌ها: شاعران در ژرف ساخت تفکرات خود بر دو محور تاکید کرده‌اند. برخی شاعران پروتوتایپ شخصیت مذهبی امام علی (ع) با رستم در یک سطح قرار داده‌اند و هر زمان در ابیات خود از شخصیت حضرت علی(ع) استفاده کرده‌اند در کنار آن از قهرمان ملی ایرانیان یعنی رستم نام برده‌اند. که این نگاه بیشتر در شعر شاعران سبک خراسانی وجود دارد. شاعرانی که در آثار منظوم خود مقام دلاوری امام علی (ع) به عنوان قهرمان مذهبی برتر از رستم توصیف کرده‌اند. این نوع نگاه بیشتر در تفکر شاعران متشعر و مذهبی دیده می‌شود. نتیجه‌گیری: غلبه ملی‌گرایی بر مذهب در سبک خراسانی و حتی بین شاعران متشعر و عارف مسلک، محسوس و ملموس است. در مقابل برخی شاعران مانند ناصر خسرو بر اساس دیدگاه دینی و اعتقادات مذهبی پروتوتایپ حضرت علی (ع) را در تقابل با رستم به عنوان قهرمان ملی قرار داده‌اند و حضرت را برتر از رستم بیان کرده‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۳۰ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴ آبان ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

کهن‌الگو، پروتوتایپ، حضرت علی (ع)، رستم.

* نویسنده مسئول:

heydari.a@lu.ac.ir

۳۳۲۲۳۳۱۴ (+۹۸ ۶۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Interaction of Iranian and Islamic culture using links prototype of Imam Ali (PBOH) and Rostam in Khorasanian and Iraqi style

M. Norozi, Ali Heydari*

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 August 2023

Reviewed: 06 September 2023

Revised: 21 September 2023

Accepted: 05 November 2023

KEYWORDS

Archetype, prototype,
Hazrat Ali (AS), Rostam.

*Corresponding Author

✉ heydari.a@lu.ac.ir

☎ (+98 66) 33223314

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Iranian and Islamic culture have been linked together in various fields, including the integration of national and religious prototypes in Persian culture and poetry. Finding the origin of myths, especially religious-historical myths, has been an important issue that scientists of various sciences have always searched for the reason of the importance of this important issue for mankind. In this article, the authors try to first point out about archetypes and prototypes, then examine this connection in the poetry of Khorasani and Iraqi style poets.

METHODOLOGY: The current research is a basic and applied research. The work method is analytical-descriptive and the method of collecting information is library.

FINDINGS: Poets have emphasized two axes in the depth of their thoughts. Some poets have put the prototype of the religious personality of Imam Ali (AS) on the same level as Rostam and have always used the character of Hazrat Ali (AS) in their verses and mentioned the national hero of Iran, Rostam. This view is more common in the poetry of Khorasani style poets. Poets who have described the bravery of Imam Ali (AS) in their poems as a religious hero superior to Rostam. This type of view is seen more in the thinking of religious poets.

CONCLUSION: The predominance of nationalism over religion in the Khorasani style and even among religious poets and mystics is tangible. On the other hand, some poets such as Nasser Khosrow, based on their religious views and religious beliefs, have placed the prototype of Hazrat Ali (AS) in opposition to Rostam as a national hero and have described Hazrat Ali as superior to Rostam.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7243>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 41	 1	 1

مقدمه

واژه پروتوتایپ^۱ و آرکی تایپ^۲ در زبان فارسی به «الگوی نخستین» و «نمونه نخستین»، «پیش نمون»، «نمونه آرمانی»، «کهن‌الگو»، «سر نمون»، «نمونه برین» و جز آن ترجمه کرده‌اند. این دو کلمه در مباحث گوناگون گاهی درهم آمیخته و به یک معنی کاربرد یافته‌اند (محمدی، ۱۳۹۱: ۹۷). آرکی تایپ‌ها در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، آیینها مناسبت مذهبی اقوام مختلف، رویاها و خیال‌پردازیها و آثار هنری (به‌ویژه آثار ادبی) نمود پیدا میکند» (داد، ۱۳۷۵: ۲۰۳). در این مقاله نگارندگان سعی بر آن دارند به صورت توصیفی-تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای به بررسی آثار شاعرانی که با هنرمندی تمام بین پروتوتایپ حضرت علی (ع) به عنوان یک شخصیت مذهبی تاریخی و از طرفی دیگر رستم به عنوان یک پروتوتایپ ملی و حماسی که در یک بیت شعری پیوندی زیبا ایجاد کرده‌اند، بپردازند. پیوند میان شخصیت‌های ملی و اساطیری با الگوهای تاریخی و مذهبی میتواند نیاز باطنی مردم ایران به حضرت علی (ع) و رستم به عنوان دو انسان آرمانی که همواره این دو نماد ملی و مذهبی دو الگوی برتری و شجاعت هستند در کنار هم، برآورده کنند. شاعران به سبب عشق و ارادت به حضرت علی (ع) و تفاخر به رستم به عنوان یک اسطوره ملی شیوه بسیار زیبایی به کار برده‌اند و به نوعی فرهنگ اسطوره‌ای ایرانی را با فرهنگ اسلامی گره زده‌اند. این بیانگر این واقعیت است که نباید چنین تصور کرد، هویت ملی با مذهب در تضاد است، بلکه هویت ملی، علاوه بر رستم، از حضرت علی (ع) و اندیشه ناب اسلامی هم برخوردار است. زیرا عنصر مذهبی یکی از مشخصه‌های فرهنگی یک ملت است و گاه با عناصر ملی یکی به حساب می‌آید. اینک نمونه‌های از این تلفیق اسطوره رستم با حضرت علی (ع) در اشعار شاعران سبک خراسانی و عراقی بر اساس دوره تاریخی زندگی شاعران این دو سبک، به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با شناخت پروتوتایپها و بررسی نقش آنها در آفرینش آثار ادبی؛ کتاب و مقالات زیادی در دسترس نیست تنها مواردی که میتوان اشاره کرد. کتاب شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی از شیرین‌دخت دقیقیان است. در این کتاب نویسنده با مروری بر مشهورترین آثار ادبی شازده نوع پروتوتایپ را که بیشتر شناخت پروتوتایپهای خارجی است، طبقه‌بندی کرده‌است (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۷۱). علاوه بر این کتاب چند مقاله و یک رساله شامل موارد زیر مورد پژوهش قرار گرفته است.

الف: مقاله‌ای با عنوان "بررسی و مقایسه پروتوتایپ در رمانهای زمین سوخته" به چاپ رسیده که بیشتر در شناخت و تطبیق آثار در حوزه ادبیات مقاومت است (وهایی، ۱۳۹۶: ۲۷۹).

ب: مقاله‌ای با عنوان "بررسی پروتوتایپ در رمان طوبا و معنای شب" اثر شهرنوش پارسی‌پور است که بیشتر تلاشی در زمینه شناخت و منشأ پروتوتایپها در این رمان میباشد (قلاوندی، ۱۳۹۹: ۲۷۹).

ج: رساله‌ای با تلاش معصومه ارچندانی و راهنمایی استاد محمدحسین محمدی در دانشگاه تهران با عنوان "بررسی تاثیر پروتوتایپ در آثار چند نویسنده معاصر" (ارچندانی، ۱۳۹۰: ۱).

اما تاکنون موضوع پژوهشی که در زمینه پیوند و شناخت پروتوتایپهای ملی و مذهبی در آثار شعری شاعران سبک خراسانی و عراقی باشد به صورت مستقل مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ هر چند مقالاتی در زمینه‌های دیگرکار

۱. Prototype

۲. Archetype

شده است. مثل "بررسی سیمای حضرت علی (ع)" و موضوعاتی نظیر مقاله دکتر محمد دهقانی با عنوان "شیر خدا و رستم داستان جلوه انسان آرمانی در ادب فارسی و فرهنگ عامه" (دهقانی، ۱۳۸۱: ۶۳). اما همه پژوهش‌های که در دسترس می‌باشد با موضوع این مقاله متفاوت است.

بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

مبانی تحقیق

پروتوتایپ

نزدیک به بحث آرکی‌تایپ، بحث پروتوتایپ یا نمونه‌ای ازلی و فرد یا فرد اعرف و اجلی باستانی است. الگوی ازلی معشوقه در ادبیات فارسی، فرشته و پری است و الگوی ازلی پهلوانان رستم و پروتوتایپ مشایخ و اولیا، پیامبران و پروتوتایپ پیامبران، خدایان هستند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۲۹). پروتوتایپ‌ها همان الگوهای اولیه و خمیرمایه‌های هستند که نویسنده از جای وام گرفته و با شاخ و برگ دادن به آن شخصیت‌ها؛ داستانش را خلق می‌کند. «نمونه اولیه، به عنوان نهاد (تز) با جریان ذهن و نیروی خلاقانه نویسنده برخورد می‌کند و حاصل این رویارویی هم‌نهادی (سنتز) است که کارکتر خلق شده توسط نویسنده است (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۲). پروتوتایپ‌های خلق می‌شوند که بتوانند به انسان کمک کنند و هر زمان در دشواری‌ها و مشکلات قرار می‌گیرد با کمک آنها پروتوتایپ‌ها سعی می‌کنند خود را نجات دهند و به نوعی همان نمونه‌ای ازلی انسان و قهرمانان آرمانی هستند.

قهرمان آرمانی نیز با توجه به اسطوره خلقت، تکرار نمونه‌ای ازلی انسان است. انسان آرزو دارد قهرمان ظهور کند و وضع موجود را برهم بزند و روزگار نیک گذشته را احیاء کند گاهی احساس می‌کند آن قهرمان آرمانی ظهور نمی‌کند و به گذشته نیک و پسندیده خود پناه می‌برد قهرمانی از دوران پرشکوه و خواستنیش را احیاء می‌کند که گذشته نیک را می‌تاباند (مالمیر، ۱۳۸۴: ۱۹). فی المثل محمد بن منور "در دوره خویش از دست بلاها، حادثه و فتنه و فسادها و بی‌اعتقادی مردم عصرش به تنگ آمده بود و بدین سبب، به گذشته دور روزگار بوسعید بود بازگشته بود و با احیای یاد بوسعید و روزگار او می‌خواست مرهمی بر درد کهن خود و هم‌عصرانش بگذارد و شاید روزگار را بهبود ببخشد خصوصاً توجه کنیم به شخصیت افسانه‌ای بوسعید و اینکه او هزار ماه عمر کرده است و چون واری هزار شماری نیست مرده است" (مالمیر، به نقل از منور: ۱۳۷۱: ۴).

دقیقیان به عنوان نخستین کسی است که در ایران اثری مستقل درباره پروتوتایپ نگاشته، در این باب مینویسد: تخیل هنرمندانه در تاروپود یک پروتوتایپ نفوذ می‌کند و مانند ماده‌ای اسرارآمیزی از جسم سخت آن، سیالی شکل‌پذیر می‌سازد و سپس آن را مناسب سلیقه و اندیشه‌های خود و نیز مطابق طرح کلی اثر ادبی شکل می‌دهد. همین تخیل است که در برخورد کشاکشی با پروتوتایپ، نقش اصلی را بازی می‌کند و آن را به موجودی مستقل تغییر شکل می‌دهد. گاه نویسنده پروتوتایپ خود را در محور زمان و مکان جابه‌جا می‌کند و کارکتر را در زمان و مکان دیگری جای می‌دهد (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۶۳). پروتوتایپ‌ها همان پیش‌نمونه‌های هستند که عامل تحریک ذهن خالق آثار ادبی هستند که باعث می‌شود شخصیت‌های با کارکردهای مختلف خلق کند. پروتوتایپ‌ها و روند تبدیل شدن آنها به کارکترهای ادبی، گوناگونی و پیچیدگی بسیاری دارند. در برخی موارد نمیتوان یک کارکتر را از نظر پروتوتایپ‌های سازنده آن، در یک گروه جای داد. اما اکثر موارد میتوان وجه غالبی بر آن در نظر گرفت. این وجه غالب میتواند یک پروتوتایپ سیاسی، تاریخی، ادبی، طبقاتی و... باشد. در برخی موارد یک کارکتر، پروتوتایپ‌های

گوناگونی دارد. گاه چند پروتوتایپ در آفرینش یک شخصیت با یکدیگر همراه میشوند. اما آنچه یک پروتوتایپ از دیگر همراهان خود متمایز میکند، تسلط خطوط کلی آن بر کارکتر ادبی است (مالمیر، به نقل از منور: ۱۳۷۱: ۷۹). شیرین دخت دقیقیان با مروری بر مشهورترین آثار ادبی شانزده نوع پروتوتایپ را طبقه‌بندی کرده است، نظیر: پروتوتایپ تاریخی، مذهبی، سیاسی، طبقاتی، ادبی، اسطوره‌ای، فلسفه، هنری، ژورنالیستی، خود نویسنده، زندگی نویسنده و غیره.

در این مقاله نگارندگان سعی بر آن دارند به بررسی شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی که با هنرمندی دست به تلفیق و تجمیع پروتوتایپهای مذهبی و اسطوره‌ای زده‌اند، بپردازند که در دسته‌بندی نوع پروتوتایپها میتوان آنها را پروتوتایپهای تاریخی، اسطوره‌ای و مذهبی قرار داد. رویکرد شاعران بزرگ ادبیات فارسی به کهن‌الگوها و پروتوتایپهای تلفیقی مذهبی-تاریخی و اسطوره‌ای - ملی و چگونگی به کارگیری این شخصیتها در اشعارشان تا حدود زیادی نشان‌دهنده جهان بینی و نوع نگاه آنها به ملیت و مذهب میباشد.

پروتوتایپ تاریخی

نویسندگان بسیاری از وقایع تاریخی را در نوشتن آثار خود مورد استفاده قرار داده‌اند و قهرمان مربوط به آنها را به عنوان پروتوتایپ اثر خود انتخاب کرده‌اند (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۸۴) نویسندگان در اغلب تاریخهای مدون، گزارشها، خاطرات و حتی تصاویر و عکسهایی از وقایع و قهرمان رمان خود را در اختیار داشته‌اند که به مدد آنها خطوط اصلی کارکترهای خود را شکل بخشیده‌اند (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۸۴) دقیقیان در توضیح پروتوتایپهای تاریخی به رمان مشهور اسپارتاکوس هوارد فاست^{۱۱} اشاره میکند.

فاست در سال ۱۹۵۱ دست به نوشتن شاهکار خود یعنی اسپارتاکوس زد. وی در کنار درون مایه اصلی رمان که تاریخ قیام اسپارتاکوس است، دستمایه‌های فرعی دیگری را چون عدالت، آزادی و محکومیت جنگهایی که از میل سلطه‌گرایانه طبقه حاکم ریشه میگیرند را مطرح میکند (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۸۷). در ادامه ایشان در مورد روند ایجاد پروتوتایپهای تاریخی اشاره میکند: هوارد فاست پروتوتایپ خود را با درک عمیقی از چگونگی پیدایش شخصیتهای تاریخی و روند تکوین آنها و نیز نقش شخصیت در تاریخ، رنگ‌آمیزی غنی میبخشد و سرانجام اسپارتاکوس به مغز متفکر و رهبر قیام بردگان تبدیل میشود که قادر است با سپاهی سامان یافته، در برابر سپاهیان آموزش دیده روم، جنگهای حساب شده و منظم را سامان دهد. (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۸۷).

پروتوتایپهای مذهبی

پیامبران و شخصیتهای مذاهب توحیدی از دیرباز یکی از سرچشمه‌های الهام نویسندگان و درون‌مایه بسیاری از آثار ادبی بوده‌اند. زندگی چهره‌های مقدس در کتابهای آسمانی، نه تنها به گونه‌ای مستقیم، بلکه نمادهای بوده‌اند که نویسندگان و شاعران داستان‌پرداز از آنها برای بیان مفاهیم فلسفی و عرفانی خود سود جستند (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۹۵) پروتوتایپهای مذهبی ریشه در تاریخ دارند. یکی از قهرمانان تاریخ مذهب که چند سال زندگی میکند، جنگها و فتوحاتی انجام میدهد و بعد هم بیمار میشود یا مقتول و میمیرد. انسان همین شخصیت را از تاریخ میگیرد و به یک شخصیت ماورایی تبدیل میکنند، زیرا به گفته علی شریعتی: «انسان همواره برای جبران کمبودهایی که در این عالم احساس میکند، به دنبال کمال مطلوب ساختن است. کمال مطلوب ساختن به چه معنی است؟ آنها را

۱. Howard Faust

نمیشناخته، آن قدر فرهنگ نداشته که ذات و تصویر آن کمال مطلوبها را به طور مشخص درک کند، اما این حالت که او مال این جا نیست، و نیازهای متعالی‌تر دارد که عالم از برآوردنش عاجز است، تخیل و اندیشه او را وادار میکرد کمال مطلوبهای فرضی را در ذهنش خلق کند و برای همین داستان میساخته که این داستان‌سازی از ابتدای تاریخ تا حالا وجود دارد» (شریعتی، ۱۳۹۰: ۱۹).

پروتوتایپهای اساطیری و حماسی

شاهکارهای بزرگ حماسی و شخصیت‌های شناخته شده آن بارها به عنوان پروتوتایپ برای آثار پس از خود قرار گرفته‌اند. آثاری چون ایلید، ادیسه و یا شاهنامه نمونه‌های زیادی از آثار پس از خود را تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار داده‌اند (قلاوندی، ۱۳۹۹: ۲۸۸). پروتوتایپهای اساطیری که ریشه در تاریخ ندارند و زائده تفکر مردمانی است که تمام آرمان و آرزوهای خود را در آن شخصیت خلاصه میکنند.

استفاده از پروتوتایپهای اساطیر و حماسی پیشینه‌ای دیرین دارد. شاهنامه فردوسی که در میان مردم ایران و ملل دیگر مقبولیتی خارق‌العاده دارد، یکی از متونی است که پس از گذشت قرن‌ها، از شخصیت‌های اساطیری و حماسی آن در آثار شاعران و نویسندگان استفاده بسیار شده است. آثاری چون گرشاسب‌نامه (اسدس طوسی) ب رزنامه (عطایی) که درباره نوه رستم شده است، شهریارنامه (عثمان مختاری) که به داستان نواده رستم می‌پردازد، بتانو گشتسب‌نامه و فرامرز نامه درباره زندگی خانواده رستم، از این دست هستند. (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۱۷۶) نویسنده‌ها با شکل‌دهی و خلق پروتوتایپها سعی کرده‌اند به نیازها و آرزوهای مردم با کمک آنها پاسخ دهند. همچنانکه درباره کار فردوسی در سرودن شاهنامه چنین اعتقادی هست "فردوسی شاهنامه را حدیث پهلوانانی چون رستم قرار داد تا به کمک آن بتواند به خواسته‌ها و آرمانهای دوره‌های گذشته، در رکود نوعی فترت، به مقاومت و پیروزی امید بسته بود، پاسخی سزاوار داده باشد" (مالمیر، به نقل از قریب، ۱۳۶۹: ۵۳) نگارش و تداوم و بازسازی و گسترش داستانهای چون ابومسلم‌نامه و بسیاری از روایت‌های مردمی از داستان قهرمانیهای رستم، کیخسرو، کورش، آرش و مانندگان آنها نیز بر همین بنیاد است (مالمیر، ۱۳۸۴: ۱۹).

یافته‌ها

با رواج ادبیات حماسی در دوره سامانی و شیوع تألیف و گردآوری حماسه‌های ملی که دنباله نهضت خدای نامه‌نویسی در دوره ساسانی بود، ایرانیان توانستند قهرمان ملی خود را در دوره اسلامی بازیابند و دوباره رایت جمشید، کاوه، فریدون، رستم و اسفندیار را در سپهر افسانه و حماسه برافرازند. از طرف دیگر ایرانیان از میان مشاهیر دین از همان ابتدا به خاندان رسول و اهل بیت پیامبر نظری ویژه داشتند و همواره به ایشان به چشم توقیر مینگرستند به طوری که در اکثر قریب به اتفاق شورشهایی که در دوره سلطه اعراب بر ایران به انگیزه قیام علیه خلیفه وقت و استقلال طلبی انجام شد داعیه خون‌خواهی و حق‌خواهی آل رسول شعار اصلی و مبنای جنبش بود (احمدی، به نقل از زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۳-۱۴۷). در میان اهل بیت پیامبر، علی (ع) به سرعت در بین ایرانیان به عنوان قهرمان بی‌نظیر و بی‌بدیل چه در عرصه زهد و تقوا و چه در میدان جنگ و پیکار شناخته شد و در کمترین مدتی مدح و ثنای او به یکی از رایج‌ترین مضامین در آثار و اشعار فارسی بدل شد و سیرت پسندیده او مورد ستایش شاعران و نویسندگان قرار گرفت (احمدی، ۱۳۹۸: ۵).

رستم در شاهنامه به عنوان پروتوتایپ ملی که ریشه در اسطوره دارد، همواره مورد استقبال ایرانیان بوده است. بعد از ورود دین اسلام به ایران و تلفیق فرهنگ ایرانی - اسلامی و وابستگی ایرانیان به رستم به عنوان الگوی اسطوره‌ای و حضرت علی (ع) به عنوان پروتوتایپ مذهبی، شاعران نیز در اشعارشان دست به تلفیق این دو اسطوره ملی و مذهبی می‌زنند. پروتوتایپ ملی در میان ایرانیان کسی جز رستم نیست. چرا که «هرگاه خورشید شخصیت رستم سر از افق اشعار حماسی و داستانهای ملی ایران برمی‌آورد، دیگر ستارگان آسمان تاریخ باستان را چندان مجالی برای درخشش و پرتوافشانی نمی‌ماند و در واقع با طلوع او در پهنه ادبیات ایران، حماسه‌ها و مفاخرات قومی رشد میکند، و با افول او درخت تناور مباحث قومی به پژمردگی می‌گراید و او محوری است که تشبیهات و اغراقهای شاعران در زمینه‌های پهلوانیها و قهرمانیها برگرد او میگردد. نماد و مظهر مذهب و اسطوره‌های مذهبی نیز حضرت علی (ع) است که در بین ایرانیان عشق شدید باطنی آنها به امام علی (ع) سبب شده است که از آن حضرت چهره‌ای اسطوره‌ای و گاه فرازمانی و فرامکانی بسازند» (اردلان جوان، ۱۳۶۷: ۷۵). حضرت علی (ع) از پروتوتایپهای مذهبی است که نیمه در تاریخی دارد و نیمه‌ای اسطوره‌ای که به تدریج روندی اسطوره‌ای پیدا کرده است. بدیهی است که گاهی شاعران حضرت علی (ع) را در کنار سایر قهرمانان ملی نیز ستوده‌اند و رستم را نیز با برخی دیگر از شخصیت‌های دینی به بی‌همتایی و نیکی توصیف کرده‌اند. اما به نظر میرسد بیشترین فراوانی این تلفیق مربوط به حضرت علی (ع) و رستم است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

ابوالحسن فرخی سیستانی

فرخی سیستانی؛ حضرت علی (ع) را به عنوان الگوی مذهبی و رستم دستان را به عنوان پروتوتایپ ایرانی، که دو نمونه برتر زورمندی و شجاعت هستند؛ در کنار یکدیگر قرار داده‌است. با این کار شاید شاعر قصد داشته است این دو انسان برتر را به نحوی با هم پیوند داده و میان فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی تعامل مؤثر ایجاد کند. شاعر پرآوازه ایران در وصف ممدوح خود با استفاده از این دو پروتوتایپ، روحیه ملی و مذهبی او را بیدار میکند و دلاوری و نام‌آوری او را برجسته می‌سازد.

ایا زکینه‌وران همچو رستم دستان ایا ز ناموران همچو حیدرکرار
(دیوان فرخی سستان: ۳۱۹)
به حرب کردن و پیروزگشتن اندر حرب برادر علی و یار رستم دستان
(همان: ۵۴۲۰)
ایا نموده جهان را هزار گونه هنر چو که؟ چو حیدر کرار و رستم دستان
(همان: ۵۹۸۳)

ناصر خسرو قبادیان

ناصر خسرو از این دو مظهر بزرگی و رشادت استفاده‌ای دیگر میبرد. این شاعر مکتبی؛ پروتوتایپ مذهبی خود را بر جنبه ملی‌گرایی برتری می‌دهد و خطاب به مخاطبان خود میگوید: شایسته است که رستم به عنوان چاکر حضرت علی (ع) باشد. این شیوه تلفیق شاعر فرهیخته بیانگر جهان‌بینی اوست که حس مذهبی در او بر حس ملی‌گرایی برتری دارد.

رستم سزا بودی، چو او دلدل بستی، چاکرش
ننوشت کفر و شرک را جز تیغ ایمان گسترش
(دیوان ناصر خسرو: ص ۲۳۹)

امیر بدرالدین قوامی رازی

به مردی حدیث علی گو، مگوی که رستم چه کرده است و اسفندیار
(دیوان قوامی رازی، غزل ۱۱۵: ۱۹)

قوامی رازی مانند ناصر خسرو قبادیانی اعتقاد دارد پروتوتایپ مذهبی و تاریخی نسبت به پروتوتایپ ملی و اسطوره-ای برتری دارند.

پیشینه ایجاد تعارض و یا حداقل بهره‌گیری ستیزه‌گرانه از داستانهای شاهنامه‌ای علیه اندیشه‌های اسلامی به سالهای پیش از فردوسی و سرایش حماسه ملی ایران می‌رسد و کهن‌ترین گزارش موجود در این باره، اقدام بازرگانی مکی به نام نصر بن حارث است که طبق اشارات منابع گوناگون، پس از واعظ پیامبر اسلام (ص) و دعوت کردن مکیان به پذیرش دین الهی و آموختن مفاهیم قرآنی، روایتهای ملی - پهلوانی ایران به ویژه داستان رستم و اسفندیار را که در حیره آموخته بود- برای شنوندگان سخنان پیامبر نقل میکرد تا از این راه مردم را از علاقه و توجه به کلام نبوی بازدارد. برخی از مفسران شأن نزول آیه وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (لقمان: ۶) را نیز کار معارضه‌جویانه نصر بن حارث و (لهو الحدیث) را ناظر براخباری که او باز میگفت، دانسته‌اند (آیدنلو، ۱۳۷۸: ۹).

سوزنی سمرقند

آن علی کاندلر مصاف صد هزاران خصم خواست هر یکی چون رستم دستان زال زوالی
(دیوان سوزنی سمرقندی: ص ۲۹۷)

سوزنی سمرقندی مانند ناصر خسرو و قوامی رازی پروتوتایپ حضرت علی (ع) را برتر از رستم دانسته و حریفهای امیرالمومنین در جنگ که هر کدام به سان رستم دستان جنگاور و دلیر بوده‌اند، حضرت همه آنها را شکست داده است و به نوعی کهن‌الگوی مذهبی شاعر بر پیش‌الگوی ملی برتری دارد. تقابل پروتوتایپ حضرت علی و رستم و برتری شخصیت حضرت علی بر دیگر نامها و کهن‌الگوهای ملی و حماسی ایران «عقیده و استنباط عده‌ای و در متن آثار و اشعار آنها مطرح شده است، و در اینجا معتقدان تلقی مورد بحث، موضوع را به قالب داستان کشانده و خود امام علی (ع) و یارانشان را در برابر نامها، کسان و دین ایران پیش از اسلام قرار داده‌اند (همه اسلام در برابر همه کفر!) تا شاید به زعم خویش برتری امام بر یلان و شهریاران ایران باستان و نهایتاً اسلام و تشیع بر کیش زرتشت را با شدت و صراحت بیشتری نشان دهند» (آیدنلو، ۱۳۷۸: ۱۲).

مسعود سعد سلمان

مسعود سعد سلمان تقریباً هر جا که از رستم به عنوان اسطوره بی‌بدیل ملی یاد میکند، بلافاصله به یاد قهرمان و شخصیت حضرت علی (ع) در فرهنگ اسلامی می‌افتد. شاعر در وصف ممدوح از این دو الگوی مذهبی و ملی به خوبی استفاده میکند. با این کار ارزشمند و زیرکانه در واقع روحیه ملی و مذهبی ممدوح خود را بیدار میکند و او را به دو بزرگ مرد تاریخ و حماسه، یعنی حضرت علی (ع) و رستم پیوند میدهد. شاعر خطاب به ممدوح میگوید تو رستم هستی و باره تو رخس است. بلافاصله شاعر پس از ترغیب روحیه ملی ممدوح به کمک پروتوتایپ شخصیت حضرت علی (ع)؛ تیغ او را ذوالفقار و خصلت ممدوح را مانند حضرت علی (ع) توصیف میکند.

تو رستمی و باره تند تو هست رخس تو حیدری و تیغ تو جز ذوالفقار نیست
(دیوان مسعود سعد، قصیده ۴۴: ۱۲)

ای رستم نبرد بران سوی رزم رخس وی حیدر زمانه بر آهنج ذوالفقار
(همان، قصیده ۹۵: ۲۴)
به حمله رخس برون داده رستم دستان به ذوالفقار زده چنگ حیدر کرار
(همان، قصیده ۱۰۷: ۲۹)
رستم ناورد گردی، حیدر پیکار و یل از تو تازه نام رخس و تازه ذکر ذوالفقار
(همان، قصیده ۱۱۰: ۷۲)
گرزکوبان چو رستم دستان تیغداران چو حیدر کرار
(همان، قصیده ۱۱۶: ۲۵)
چون رستم از غلاف برآورد گاوسار چون حیدر از نیام بر آهیخت ذوالفقار
(همان، قصیده ۱۳۵: ۲۵)
یادگار رستم و حیدر تویی اندر نبرد رستمی با گاوسار وحیدری با ذوالفقار
(همان، قصیده ۱۶۱: ۱۲)

مسعود سعد از جمله شاعران ستایشگر است که در این ابیات میان پروتوتایپ حضرت علی (ع) و رستم پیوندی مستحکم ایجاد کرده است. حضرت علی (ع) و رستم از قهرمانان و الگوهای باستانی ایرانیان هستند که شاید بتوان آنها را در ناخودآگاه تباری ایرانیان که بعد از پذیرش اسلام میان این دو شخصیت تاریخی و اسطوره‌های پیوند ایجاد کرده‌اند، توصیف کرد.

در شعر شاعران ستایشگر نوعی آرمان‌گرایی و کمال‌جویی وجود دارد. که در این ابیات میتوان بینیم که شاعر به دنبال توصیف ممدوح در واقع سعی میکند پیوندی ایجاد کند که ممدوح در ضمیر ناخودآگاه خود با پروتوتایپ‌های مذهبی و اسطوره‌ای ارتباط برقرار کند. که در ابیاتی از عثمان مختاری و امیر معزی هم میتوان این پیوند زیبا هم مشاهده کرد.

عثمان مختاری

به خسروان بنمودی گه گرفتن ملک طریق رستم دستان و حیدر کرار
(دیوان عثمان مختاری: ص ۱۲۴)

امیر معزی

گر خسته شد از خنجر رستم دل‌سهراب ور کنده شد از بازوی حیدر در خیبر
ای کلک تو در قدرت چو خنجر رستم ای عزم تو در قوت چون بازوی حیدر
(دیوان امیرمعزی: ۷۷۸۲-۷۷۸۳)

سخنوران ستایشگر در این چامه‌ها از پیکره و ریختی حماسی برخوردار است. ویژگی شگفت و باورناپذیر ستودگان در این چامه‌ها پهلوان باستانی را فریاد می‌آورد. تو گویی ستیندگان سخنور به بهانه ستودگان خویش که چهره‌هایی تاریخی‌اند، پهلوان کهن حماسی را می‌ستایند. چامه‌های ستایشی آکنده از آرمان‌گرایی و کمال‌جویی است. آن‌که در این چامه‌ها ستوده میشود، انسانی است آرمانی؛ ابرمردی است که از هر ویژگی و شایستگی به کمال بهره‌مند است؛ و در همه آن‌ها سرآمدگی رسیده است. در این چامه‌ها، سخن‌گستر ستاینده، آرمان‌گرایانه و فرجام‌جوی، آنچه را خود می‌پسندد و بزرگ میدارد، می‌ستاید، نه ستوده تاریخی خویش را که به پاس ستایش، او را مینوازد و

پاداش می‌دهد. میتوان بر آن بود که ستاینده سخنور در این چامه‌ها آگاهانه به دنبال «نمونه برترین» است؛ لیک این نمونه برترین را، به بهانه چهره تاریخی و به نام او می‌ستانند. (کزازی، ۱۳۷۶: ۷۶).

امیرامام رشیدالدین وطواط

اشعاری از این شاعر اهل سنت، وجود دارد که این دو شخصیت ممتاز ملی و مذهبی را بارها در کنار هم قرار داده است. شاعر ممدوح خود را با الگوهای ملی و مذهبی وصف میکند و خطاب به او می‌گوید در استواری مانند رستم باش و در بیت بعد؛ از پروتوتایپ حضرت علی (ع) استفاده میکند و ممدوح را وارث تیغ امیرالمومن علی (ع) میداند. در ادامه لشکریان ممدوح را به رستم و نگهبانان را به حضرت علی (ع) وصف میکند و این شیوه‌های شاعر بیانگر این حقیقت است که جدا از جایگاه مذهبی حضرت علی (ع)، برای او چونان یک پروتوتایپ مذهبی - حماسی است که در تاریخ واقعیت دارد.

از وجود تو بیان شد هر چه بود آفاق را در عرب و ندر عجم از حیدر و رستم خبر
(دیوان رشید وطواط، ۲۳۰۹)

ببزم و رزم و حزم و عزم گویی عاریت دارد کف از حاتم هش از رستم تن از بیژن دل از حیدر
(همان: ۲۳۶۶)

به نیزه همه حافظ عهد رستم به خنجر همه وارث رستم حیدر
(همان: ۲۴۲۳)

جان ربایان نیزه چون رستم دژگشایان به تیغ چون حیدر
(همان: ۲۵۰۰)

نه عجم را ز رستم دستان نه عرب را ز حیدر کرار
(همان: ۲۸۸۴)

حیدر کراری اندر حرب هنگام ضراب رستم دستانی اندر جنگ هنگام طعان
(همان: ۵۱۱۰)

ای حسام و رمح را وقت ملاقات عدو حیدر کرار گشته، رستم دستان شده
(همان: ۶۱۷۷)

همنشین شدن قهرمانهای ملی و دینی در قصیده‌های مدحی این عصر یکی از ویژگیهای سبکی و قیاس مآثر، مفاخر، مکارم و اخبار شاه با قهرمانها و سپس تفصیل خصایص شاه بر آنها از رایج‌ترین موتیفهای شعری این دوره به شمار می‌آید. بسامد بالای همنشینی نام، کنیه و القاب قهرمانان ملی و دینی در شعر مدحی این دوره و قیاس ویژگیهای این قهرمانها با خصوصیات شاه از یک طرف نشان دهنده تلاقی سمبلیک قهرمان ملی و دینی و از طرف دیگر یادآور غلبه جهان‌بینی ظلال‌الاهی است. در این میان همنشینی رستم و حیدر (ع) به عنوان نمونه‌های اتم و اکمل قهرمانی و عالی‌ترین سمبلهای ملی و دینی در جهان‌بینی ایرانی بیش از همنشینی دیگر نامها و القاب به چشم می‌خورد. در واقع همنشینی مداوم و مستمر رستم و حیدر (ع) در شعر شاعران این عصر نشان دهنده تجسم آمال و آرمانهای هویت ملی و دینی در آنهاست (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۲).

عبدالواسع جبلی

از قوت و قدرت همه چون حیدر کرار وز صولت و سورت همه چون رستم دستان
(دیوان عبدالواسع جبلی: ص ۳۸۵)
سمندت رخس و تیغت ذولفقارست که تو رستم تن و حیدر توانی
(همان، ص ۴۳۸)

a. اوحالدین انوری

به روز جنگ با دستان رستم به پیش خصم با پیکار حیدر
(دیوان انوری، قصیده ۸۷: ۱۸)
تو بر پشت رخی چون رستم خرامان به کف ذوالفقاری چون حیدر گرفته
(همان: قصیده ۱۷۶: ۳۵)
حیدر کرار حرب عمر و عنتر چون شکست رستم دستان صف گردان لشکر چون درید
(همان: مقطعات ۲۶۱: ۹)
شاعر در این ابیات از پروتوتایپها که نمادهای ملی و مذهبی هستند پیوندی جدید ایجاد کرده است که ممدوح را از طرفی به پروتوتایپهای قهرمان مذهبی یعنی حضرت علی (ع) پیوند میزند و از طرف دیگر رستم نماد قهرمان ملی ارتباط داده است.

سیدحسن غزنوی

اندران رزم که گردان دل رستم یابند اندر حال که مردان پی حیدر گیرند
(دیوان سید حسن غزنوی، ص ۵۶)
در جنگ و صلح رستم میدان و مجلسی در کین و مهر حیدر مردی و مردمی
(همان: ص ۱۹۱)
نمادهای قهرمانی، زمانی بروز میکنند که من خویشتن نیازی به تقویت بیشتری داشته باشد. یعنی هنگامی که خودآگاه برای کاری که خود به تنهایی یا دست کم بدون یاری منابع نیرویی که در ناخودآگاه است نمیتواند انجام دهد، و به ناخودآگاه نیاز پیدا میکند (یونگ^۱، ۱۳۹۱: ۱۸۱). شاعر در این ابیات برای تقویت پروتوتایپ الگوی ممدوح از دو قهرمان و نماد ملی و مذهبی استفاده کرده است که ممدوح نیازهای خود را از طریق پیوند با ناخودآگاه جمعی و کهن الگوها ملی و مذهبی بر طرف کند.

افضل الدین خاقانی

خاقانی با تلفیق این دو عنصر ممتاز ملی و مذهبی حاوی این پیام بوده است که عشق و ارادت به حضرت علی (ع) و به تبع آن تعلق به اسلام و مذهب تشیع، هیچ گونه تضادی با بزرگداشت و تفاخر به رستم و به تبع آن ملیت ما ندارد. تلفیق عناصر فرهنگ ایرانی و اسلامی، مخصوصاً مذهب تشیع که هر کدام به منزله دو روی یک سکه اند، فرهنگ ملی ما را در چهره دو قهرمان آرمانی و ملی مینمایانند لذا نباید تصور کرد که هویت ملی چیزی جدا از

^۱. Carl Gustav Jung

مذهب و یا در تقابل مذهب تشیع است، بلکه هویت ملی اعم از مذهبی و غیر مذهبی است. بدین معنا که وقتی عناصر مذهبی مشخصه فرهنگی یک ملت شدند از عناصر ملی به حساب می‌آیند (بهنام‌فر، ۱۳۸۸: ۱۸۷). خاقانی هر جا که از رستم به عنوان اسطوره بی‌بدیل ملی یاد میکند ذهن مذهبی و متمایل به شیعه‌گری او، به یاد قهرمان و شخصیت بی‌همتای اسلام و شیعه؛ یعنی حضرت علی (ع) می‌افتد:

داور مهدی سیاست مهدی امت پناه رستم حیدر کفایت، حیدر احمد لوا
(دیوان خاقانی: قصیده ۹: ۲)
مانند علی سرخ غضنفر تویی ار چه از نسل فریدونی نز آل عبائی
(همان، قصیده ۲۲۴: ۴۰)
رستم کیقباد فرد، حیدر مصطفی ظفر همره رخس و دل‌دلش فتح و غزای راستین
(همان: ترجیعات ۱: ۲۴)
حیدر آتش سنان آمد به رزم رستم آرش کمان آمد به رزم
(همان: ترجیعات ۵: ۷)

نکته دیگری که در شعر خاقانی قابل تأمل است، این است که خاقانی، حضرت علی (ع) را به عنوان یک کهن‌الگو و پروتوتایپ شخصیت مذهبی که ریشه در تاریخ دارد؛ در کنار سایر الگوهای کهن فارسی در شاهنامه به کار میبرد. به نظر می‌رسد خاقانی جدای از پذیرفتن حضرت علی (ع) به عنوان یک پیشوای مذهبی، ایشان را به عنوان یک عنصر ممتاز ملی و هویت ایرانیان قلمداد می‌کند.

بودند کیان بهتر آفاق و نیایت بهتر زکیان بود و تو بهتر زبنائی
رستم ظفری، بل که فرامرز شکوهی جمشید فری، بل که کیومرث دهائی
(دیوان خاقانی، قصیده ۲۲۴: ۳۸-۳۷)

در یکی دیگر از قصاید مدحی خود، ذوالفقار حضرت علی (ع) را به حرز کیان تشبیه می‌کند.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

دل‌بستگی ایرانیان به رستم به زودی با محبت آنان به مردی همراه شد که برخلاف رستم نه در جهان خیالات و اساطیر، بلکه بر روی زمین و در میان مردمان، زیسته بود و این مرد البته کسی نبود جز علی (ع)؛ مردی که در بر هوت بیداد و بدرفتاری اعراب با ایرانیان چنان رده سبزی از جوانمردی و بیداد ستیزی بر جای نهاد که ایرانیان حتی در باغ پر شکوه اساطیر نیز بدلی برای آن نمی‌دیدند. آن همه فضیلتها که ایرانیان طی قرن‌ها در وجود علی تجسیم و تجلی یافته بود در بعد زمینی، علی نیز چون رستم انسانی حماسی بود (دهقانی، ۱۳۸۱: ۶۵). مولانا به خوبی در این اشعار اشاره کرده است که در ناخودآگاه جمعی ایرانیان؛ دو پروتوتایپ ملی و دینی وجود دارد که می‌توانند به عنوان ابر مردهای شجاعت و دل‌آوری مردمان این سرزمین باشند.

این جهاد اکبر است، آن اصغر است هر دو کار رستم است و حیدر است
(مثنوی، دفتر پنجم: ۳۸۰۲)
زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دست‌انم آرزوست
(کلیات شمس، غزل ۴۴۱: ۱۰)

رستم و حمزه فکنده تیغ و اسپر پیش او او چو حیدر گردن هشام و اربق می‌زند
(همان، غزل ۷۳۸: ۹)
من صف رستم دلان جستم بدیدم شاه را ترک آن کردم چون بی صف صفدری را یافتم
(همان، غزل ۱۶۰۰: ۱۳)

نظام‌الدین قمراصفهانی

شاه سکندر لقا، حاتم گوهر عطا رستم کشورگشا، حیدر گیتی ستان
(دیوان قمراصفهانی: ۱۷۵۰)

محمد عطار نیشابوری

شاعر در ابیات زیر پروتوتایپ و الگوی مذهبی علی (ع) را بر پیش‌الگوی رستم برتری می‌بخشد. در این بیت‌ها رستم از زال درس مردانگی فرامی‌گیرد اما حضرت علی (ع) از خداوند تبارک و تعالی که لایزال است؛ توان و نمود مردانگی خود را فرا گرفته است. به نوعی می‌توان گفت توان رستم از زال و زمینی است که زاده تفکر و علایق یک ملت است که در نمونه پیش‌الگوی افسانه‌ای و خیالی خود ترسیم کرده‌اند. اما الگوی امام علی (ع) یک نمونه پروتوتایپ تاریخی و واقعی است که توان و قدرت شبه اسطوره‌ای خود را از خداوند لایزال گرفته است.

رستم گر اهل و گر نااهل بود چون ز زالی یافت مردی، سهل بود
مردی او [=علی] از خدای لایزال وان رستم یا ز دستان یا ز زال
شیر حق با تیغ حق دین پروری همچو زال و رستم دستان گری
(مصیبت‌نامه عطار، ص ۳۴)
به تن رستم سوار رخس دل‌دل به دل غواص دریای توکل
(اسرارنامه عطار: ص ۲۲)

رکن‌الدین دعوی‌دار قمی

حیدر رزم آزمای، رستم کشور گشای هم جگر رستمش، هم روش حیدرش
(دیوان دعوی‌دارالقمی: ص ۱۲۰)

بهاء‌الدین سلطان ولد

تعبیر حیدر رستم نیز در این شعر سلطان ولد بسیار پر معناست
حیدر رستم تویی، تیغ تو ذوالفقار شد پیش روی تو در غا از همه طلب چون سنان
(دیوان سلطان‌ولد: ص ۴۸۵)

خواجه نظام‌الدین عبیدزاکانی

رستم دلی که بازو و تیغش خبر دهند هنگام کین ز حیدر کرار و ذوالفقار
(دیوان عبیدزاکانی: ص ۲۰)

محمد حسن فیض کاشانی

حرص و هواست گرد به گرد تو صف به صف دستان شو ای شگرف، چو رستم به صفدری
(دیوان فیض کاشانی: ص ۱۳۶)

با نگاهی کلی می‌توان در جدول زیر، فروانی استفاده شاعران از پروتوتایپ رستم به عنوان پیش‌الگو حماسی در مقایسه با نمونه ازلی حضرت علی (ع) مشاهده کرد، که چند درصد ابیاتی که شاعر با تلفیق این دو اسطوره حماسی

و مذهبی سعی داشته است نمونه اولیه و پیش‌الگو حماسی و مذهبی را در کنار هم در یک بیت شعری اشاره کرده‌اند. ملاک این فراوانی در سطح روساخت ابیات است به این ترتیب که شاعر در یک بیت شعری کدام نمونه پروتوتایپ و الگوی اولیه را اول اشاره کرده است. به این طریق میتوان تا حدی غلبه حس مذهبی شاعر بر حس ملی یا برعکس را نمایان ساخت زیرا تا حد زیادی می‌توان گفت که آدمی هنگام یادکرد افراد و... به صورت ناخودآگاه و حتی گاهی آگاهانه، مهم‌ترین شخص را از دیدگاه خود، اول نام میبرد.

جدول شماره (۱)

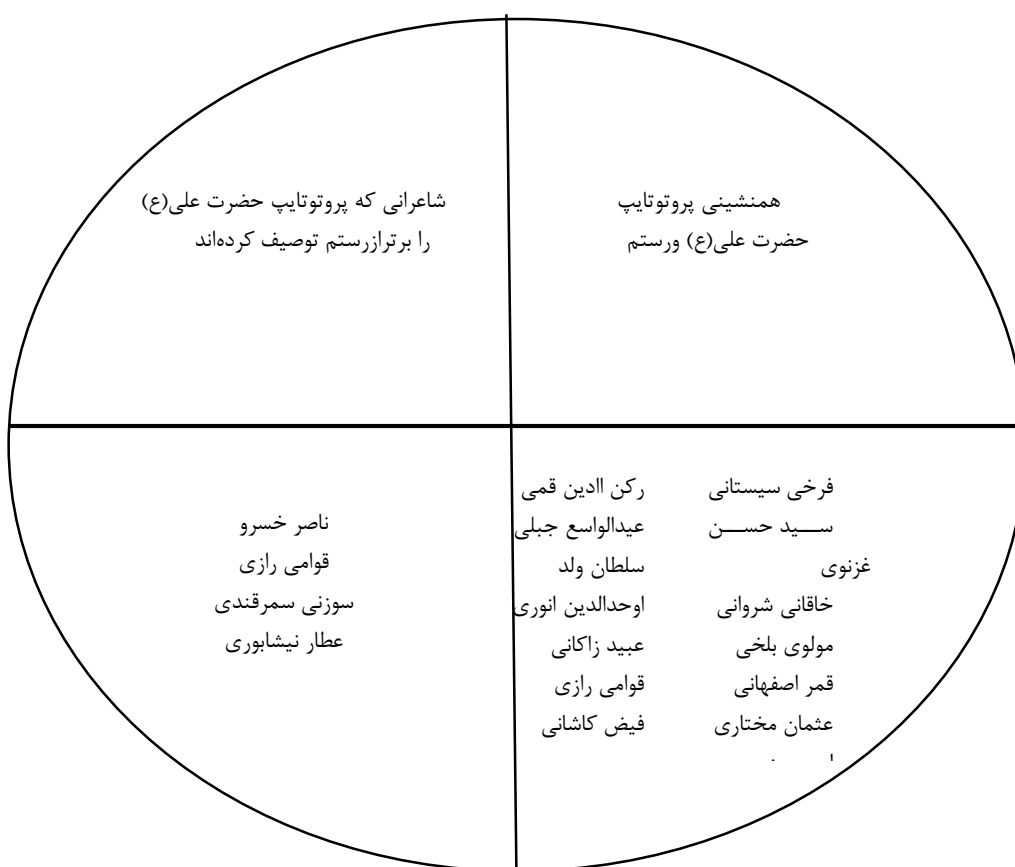
ردیف	نام شاعر	تعداد ابیات	درصد		ردیف	نام شاعر	تعداد ابیات	درصد	
			تقدم حضرت علی (ع)	تقدم رستم				تقدم حضرت علی (ع)	تقدم رستم
۱	فرخی سیستانی	۳	۶۷٪	۳۳٪	۱۰	سیدحسن غزنوی	۲	۰	۱۰۰٪
۲	ناصر خسرو	۱	۰	۱۰۰٪	۱۱	خاقانی شروانی	۵	۴۰٪	۶۰٪
۳	مسعود سعدسلمی	۷	۰	۱۰۰٪	۱۲	مولوی بلخی	۴	۲۵٪	۷۵٪
۴	عثمان مختاری	۱	۰	۱۰۰٪	۱۳	قمر اصفهانی	۱	۰	۱۰۰٪
۵	امیر معزی	۲	۰	۱۰۰٪	۱۴	عطار نیشابوری	۳	۳۳٪	۶۷٪
۶	رشید و طواط	۷	۴۳٪	۵۷٪	۱۵	رکن‌الدین قمی	۲	۵۰٪	۵۰٪
۷	عبدالواسع جبلی	۲	۵۰٪	۵۰٪	۱۶	سلطان ولد	۱	۱۰۰٪	۰
۸	اوحدالدین انوری	۳	۳۳٪	۶۷٪	۱۷	عبید زاکانی	۱	۰	۱۰۰٪
۹	قوامی رازی	۱	۱۰۰٪	۰	۱۸	فیض کاشانی	۱	۰	۱۰۰٪
مجموع		تقدم حضرت علی (ع)	درصد	تقدم رستم	درصد				
۴۷		۱۴ بیت	۳۰٪	۳۳ بیت	۷۰٪				

مطابق جدول فوق در ۱۴ بیت (۳۰٪) حضرت علی (ع) بر رستم مقدم شده است و در ۳۳ بیت (۷۰٪) رستم بر حضرت علی (ع) مقدم است. تفاوت چشمگیر و معنی‌داری در سبک خراسانی و عراقی از این حیث دیده نمی‌شود.

انتظار میرفت شاعران متشرع و عارف مسلکی مانند ناصر خسرو و خاقانی و مولوی بیشتر حضرت علی (ع) را مقدم بدانند و همچنین انتظار میرفت با توجه به غلبه روح حماسی در سبک خراسانی، تقدم رستم نسبت به حضرت علی (ع) بیشتر باشد. در کل شاعران در ژرف ساخت تفکرات خود بر دو محور تاکید کرده‌اند.

الف: برخی شاعران پروتوتایپ شخصیت مذهبی امام علی (ع) با رستم در یک سطح قرار داده‌اند و هر زمان در ابیات خود از شخصیت حضرت علی (ع) استفاده کرده‌اند در کنار آن از قهرمان ملی ایرانیان یعنی رستم نام برده‌اند. که این نگاه بیشتر در شعر شاعران سبک خراسانی وجود دارد.

ب: شاعرانی که در آثار منظوم خود مقام دلاوری امام علی (ع) به عنوان قهرمان مذهبی برتر از رستم توصیف کرده‌اند. این نوع نگاه بیشتر در تفکر شاعران متشرع و مذهبی دیده می‌شود.



شکل شماره (۱)

در این شکل به خوبی میتوان ناخودآگاه جمعی شاعران مورد پژوهش را مشاهده کرد که با تلفیق پروتوتایپ حماسی و دینی چگونه سبب تقویت روح معنوی و مذهبی همراه با حماسه‌ی - ملی آنها شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های اساسی تلاش انسان، برای جبران کمبودی که در این عالم احساس کرده است ساختن داستانهای اساطیری است، بدیهی است این روند داستان‌سازی از ابتدای تاریخ تاکنون وجود دارد. از این رو شاعران فرهیخته این سرزمین با بازسازی اسطورهایی که ایرانیان در فرایند تکاملی خویش در بستر تاریخ فراهم آورده‌اند و پیوند آنها با اسطوره‌های مذهبی و آیینی، راز پیوند و تکامل فرهنگ ایران اسلامی را به خوبی تبیین ساخته‌اند. رازی که بیانگر هویت ایرانی اسلامی مردم این سرزمین است. یکی از این اسطوره‌ها رستم است، که پس از دلبستگی ایرانیان به اسلام، محبت آنان به اسطوره‌ای دیگر به نام حضرت علی (ع) پیوند می‌خورد. رویکرد شاعران بزرگ ادب فارسی که تا حدود زیادی نشان‌دهنده جهان‌بینی و نوع نگاه آنها به ملیت و مذهب بوده است سعی کرده‌اند این کهن‌الگوها و پروتوتایپهای ملی و مذهبی و چگونگی تلفیق این شخصیتها در اشعارشان نشان دهند که رستم داستان به عنوان نماینده و نماد ملیت و اسطوره‌های ملی و حضرت علی (ع) به عنوان نماد و مظهر دین و اسطوره‌های مذهبی است. تلفیق این اسطوره‌ها بیانگر این حقیقت است که ملیت و دین در فرهنگ و باور ایرانیان از پیوندی ناگسستنی برخوردار است. در مجموع غلبه ملی‌گرایی بر مذهب در سبک خراسانی و حتی بین شاعران متشعر و عارف مسلک، محسوس و ملموس است. در مقابل برخی شاعران مانند ناصر خسرو بر اساس دیدگاه دینی و اعتقادات مذهبی پروتوتایپ حضرت علی (ع) را در تقابل با رستم به عنوان قهرمان ملی قرار داده‌اند و حضرت را برتر از رستم بیان کرده‌اند که شاید این تقابل پروتوتایپ ملی و مذهبی بیشتر به فرهنگ حاکم بر کهن‌الگو جمعی آن زمان بر می‌گردد و حافظیه جمعی تاکید بر اهمیت الگوی مذهبی بر شخصیت‌های حماسی ملی مانند رستم دارند.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دکتري رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان استخراج شده است. جناب آقای دکتر منصور نوروزی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای علی حیدری بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aidenloo, Sajjad (2011), Khosravan's office, selected from Ferdowsi's Shahnameh, Tehran: Sokhan.
- The Holy Quran.
- Aydanlu, Sajjad, (2008), Introduction to Rostamnameh, the poetic story of Rostam's conversion to Islam at the hands of Hazrat Ali (a.s.) along with Moulai Motaqian's miracle book, Tehran: Written Heritage Research Center.
- Ardalan Javan, Seyyed Ali, (2008), Poetic manifestation of mythology and historical and religious narration in Khaqani poems, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Esfahani, Qamar, (1984), Diwan Qamar Esfahani, by Taqi Binesh, Mashhad: Baran.
- Amir, Moazi, (2006), Diwan Amir Moazi. Tehran: Asatir.
- Anuri, Ohaddin, (1985), Divan Anuri, by Mohammad Taghi Modares Razavi, third edition, Tehran: Scientific and Cultural.
- Khaqani Sherwani, Afzaluddin Badil bin Ali Najjar, (1959), Khaqani Sherwani Court, by Dr. Zia-uddin Sajjadi. Tehran: Zovaren.
- Dakhian, Shirin Dekht, (1992), Origin of Character in Fiction, First Edition, Tehran: Author.
- Dad, Sima, (1996), Dictionary of Literary Terms, Ravadeed Publishing House, Tehran, 2nd edition.
- Dawi Darqami, Rakdin-al-Din, (1986), Court of Darqami Dawi, introduced by Ali Muhaddith, Tehran: Amir Kabir.
- Rashid Watawat, Mohammad, (1339), Diwan Rashid Watawat, with an introduction and proofreading by Saeed Nafisi, Tehran: Barani.
- Zarin Koob, Abdul Hossein, (2001), Two centuries of silence, Tehran: Amir Kabir.
- Sultan Vold, Bahauddin, (1960), Diwan Sultan Vold, with an introduction by Saeed Nafisi, Tehran: Rudaki.
- Shariati, Ali, (2011), Ali Hajikti on the Genre of Mythology, Tehran: Scientific and Cultural.
- Shamisa, Siros, (1999), literary criticism, first edition, second edition, Tehran: Mitra.
- Abdul Wase Jabali, Badi al-Zaman, (1999), Diwan Abdul Wase Jabali, under the care of Zabihullah Safa, Tehran: Amir Kabir.
- Obeid Zakani, Khwaja Nizamuddin, (2001), Diwan Obeid Zakani, by Ali Janzadeh, Tehran: Janzadeh.
- Atar Neishabouri, Mohammad Fariduddin, (1994), Phelam Namah, edited by Noorani Vasal, second edition, Tehran: Zovar.
- Atar Neishabouri, Mohammad Fariduddin, (2005), Asrarnamih, revised by Seyyed Sadegh Goharin, 6th edition, Tehran: Zovar.
- Ghaznavi, Seyyed Hasan, (1983), Seyyed Hasan Ghaznavi's Diwan, edited by Mohammad Taghi Modares Razavi, Tehran: Asatir.
- Farkhi Sistani, Abolhasan, (1999), Diwan Farkhi Sistani, edited by Mohammad Debirsiaghi, fifth edition, Tehran: Zovar.
- Faiz Kashani, Mohammad Hassan, (2001), Diwan Faiz Kashani, Tehran: Stavand Yazd.

- Qabadiani, Nasser Khosrow, (1986), *Diwan Nasser Khosrow Qabadiani*, revised by Mojtabi Minavi-Mahdi Mohaghegh, second edition, Tehran: University of Tehran.
- Gharib, Mehdi, (1990), *re-reading Shahnameh*, first edition, Tehran: Tos.
- Qawami Razi, Badr al-Din, (1999), *Diwan Qawami Razi*, corrected by Mir Jalaluddin Hosseini Ermoi (Muhadith), Tehran: Sepehr Printing House.
- Kezazi, Mir Jalaludin, (1997), *Roya, Hamasa*, Astoreh, Tehran: Kerzan Publishing.
- Malmir, Timur, (2005), *ideal hero of Iranians*, Qom: Mah-Hara.
- Mokhtari, Othman, (2003), *Divan Othman Mokhtari*, Tehran: Scientific and Cultural.
- Massoud Saad, Salman. (1985). *Diwan Masoud Saad Salman*, with the attention of Mehdi Noorian, Isfahan: Kamal.
- Maulvi, Jalaluddin Mohammad. (2007). *Masnavi* Edited by Reynolds Nicholson, by Kazem Dezfulian, first edition, Tehran: Talaiyeh.
- .(1984). *Kliat Shams*, with corrections and margins by Badi-ul-Zaman Forozanfar, third edition, Tehran: Amir Kabir.
- Jung, Carl Gustav, (2012), *Man and His Symbols*, translated by Mahmoud Soltanieh, Tehran: Jami.
- Archandani, Masoumeh, (2018), *researching prototypes in the works of several contemporary authors*, Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, University of Tehran.
- Ahmadi, Mohammad, (2018), *Fantasy Shah, National Hero, Religious Hero: A Way to Communicate with the Court in the Praise Poems of the 5th and 6th Centuries*, Ancient Persian Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 10th year, no. Second, Autumn and Winter 2018, 1-28.
- Behnam Far, Samad, (2008), *Shahnameh and Khavarannameh are two manifestations of Iranian national identity*, Page Quarterly, number 7, second year, pp. 177-190.
- Dehghani, Mohammad, (2002), *Shirkhoda and Rostam Dastan*, the manifestation of an ideal man in Persian literature and popular culture, Persian Language and Literature Journal, No. 185, pp. 63-71.
- Qalavandi, Ziba, (2019), *pro-totype analysis in the novel Tuba and the meaning of the night*, the scientific journal of the Research Institute of Humanities and Cultural Issues, 10th year, number 1, pp. 279-298.
- Mohammadi, Mohammad Hossein and Tahereh Karimi, (2011), *examples and their types in the stories of Mandanipur*. Specialized Quarterly Journal of Fiction Studies, first year, first issue, fall 2013. pp. 96-109.
- Wahabi Daryaknari, Ruqiyeh, (2016), *examination and comparison of prototypes in the novels of Burnt Earth*. Journal of Sustainability Literature of Shahid Bahonar University of Kerman. The ninth year, number 16, pp. 365-390.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

آیدنلو، سجاد، (۱۳۸۷)، *مقدمه رستم نامه*، داستان منظوم مسلمان شدن رستم به دست حضرت علی (ع) به انضمام معجزنامه مولای متقیان، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

اردلان جوان، سیدعلی، (۱۳۸۷)، تجلی شاعرانه اساطیر و روایت تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد: آستان قدس رضوی.

اصفهانی، قمر، (۱۳۶۳)، دیوان قمر اصفهانی، به اهتمام تقی بینش، مشهد: باران.

امیر، معزی، (۱۳۸۵)، دیوان امیر معزی. تهران: اساطیر.

انوری، اوحدالدین، (۱۳۶۴)، دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران: علمی فرهنگی.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار، (۱۳۵۷)، دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح دکتر علی عبدالرسولی. تهران: مروی.

دقیقیان، شیرین‌دخت، (۱۳۷۱)، منشاء شخصیت در ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران: نویسنده.

داد، سیما، (۱۳۷۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، نشر روادید، چاپ دوم تهران.

دعوی دارقمی، رکن‌الدین، (۱۳۶۵)، دیوان دعوی دارقمی، به مقدمه علی محدث، تهران: امیرکبیر.

رشید وطواط، محمد، (۱۳۳۹)، دیوان رشید وطواط، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران: بارانی.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۱)، دوقرن سکوت، تهران: امیرکبیر.

سلطان ولد، بهاء‌الدین، (۱۳۳۸)، دیوان سلطان ولد، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: رودکی.

سمرقندی، سوزنی، (۱۳۳۸)، دیوان سوزنی سمرقندی، به تصحیح و مقدمه دکتر ناصرالدین شاه حسینی، تهران: امیرکبیر.

شریعتی، علی، (۱۳۹۰)، علی حقیقتی بر گونه اساطیر، تهران: علمی و فرهنگی.

شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸)، نقد ادبی، چاپ نخست، ویراست دوم، تهران: میترا.

عبدالواسع جبلی، بدیع‌الزمان، (۱۳۷۸)، دیوان عبدالواسع جبلی، به اهتمام ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر.

عبید زاکانی، خواجه نظام‌الدین، (۱۳۸۱)، دیوان عبید زاکانی، به اهتمام علی جانزاده، تهران: جانزاده.

عطار نیشابوری، محمد فریدالدین، (۱۳۷۳)، مصیبت نامه، به اهتمام و تصحیح نورانی وصال، چاپ دوم، تهران: زوار.

عطار نیشابوری، محمد فریدالدین، (۱۳۸۴)، اسرارنامه، تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ ششم، تهران: زوار.

غزنوی، سید حسن، (۱۳۶۲)، دیوان سید حسن غزنوی، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: اساطیر.

فرخی سیستانی، ابوالحسن، (۱۳۷۸)، دیوان فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ پنجم، تهران: زوار.

فیض کاشانی، محمد حسن، (۱۳۸۰)، دیوان فیض کاشانی، تهران: ستاوند یزد.

قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۶۵)، دیوان ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

قریب، مهدی، (۱۳۶۹)، بازخوانی شاهنامه، چاپ اول، تهران: توس.

قوامی رازی، بدرالدین، (۱۳۷۸۰)، دیوان قوامی رازی، به تصحیح میر جلال‌الدین حسینی آرموی (محدث)، تهران: چاپخانه سپهر.

کزازی، میر جلال‌الدین، (۱۳۷۶)، رویا، حماسه، اسطوره، تهران: نشر مرکز.

مالمیر، تیمور، (۱۳۸۴)، قهرمان آرمانی ایرانیان، قم: ماه حرا.

مختاری، عثمان، (۱۳۸۲)، دیوان عثمان مختاری، تهران: علمی و فرهنگی.

مسعود سعد، سلمان، (۱۳۳۹). دیوان مسعود سعد سلمان، به تصحیح مرحوم رشید یاسمی، تهران: پیروز.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۶). مثنوی. تصحیح رینولد نیکلسون، به کوشش کاظم دزفولیان، چاپ اول، تهران: طلایه.

یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۹۱)، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.

ارچندانی، معصومه، (۱۳۹۰)، بررسی پروتوتایپ در آثار چند نویسنده معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران.

احمدی، محمد، (۱۳۹۸)، فانتزی شاه قهرمان ملی، قهرمان دینی: شیوه‌ای برای برقراری ارتباط با دربار در شعر مدیحه‌سرایان قرن پنجم و ششم، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۱-۲۸.

بهنام‌فر، صمد، (۱۳۸۸)، شاهنامه و خاوران‌نامه دو جلوه از هویت ملی ایرانیان، فصلنامه پاز، شماره ۷، سال دوم، صص ۱۷۷-۱۹۰.

دهقانی، محمد، (۱۳۸۱)، شیرخدا و رستم داستان جلوه انسان آرمانی در ادب فارسی و فرهنگ عامه، نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۸۵، صص ۶۳-۷۱.

قلاوندی، زیبا، (۱۳۹۹)، بررسی پروتوتایپ در رمان طوبا و معنای شب، فصل‌نامه علمی پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره اول، صص ۲۷۹-۲۹۸.

محمدی، محمدحسین و طاهره کریمی، (۱۳۹۱)، پیش‌نمون و انواع آن در داستان‌های مثنوی‌پور. فصلنامه تخصصی مطالعات/دستانی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۱، صص ۹۶-۱۰۹.

وهابی‌دریاکناری، رقیه، (۱۳۹۶)، بررسی و مقایسه پروتوتایپ در رمان‌های زمین سوخته. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال نهم، شماره ۱۶، صص ۳۶۵-۳۹۰.

معرفی نویسندگان

منصور نوروزی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: m.noorozy@yahoo.com)

علی حیدری: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(Email: heydari.a@lu.ac.ir : نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mansour Norozi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: m.noorozy@yahoo.com)

Ali Heydari: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

(Email: heydari.a@lu.ac.ir : Responsible author)